

Examination of the Quranic Narrative in the Safavid Historiography of Shah Ismail's Rise to Power

Received: 2023/09/10
Accepted: 2023/10/04

10.22034/JKSL.2023.415688.1244

20.1001.1.27833356.1402.4.3.4.9

Type of Article: Researching

*Mahmoud Mihmannavaz



Abstract

The ascension of Shah Ismail Safavi (907-930 AH) and the establishment of the Safavid dynasty constitute one of the most significant events in Iranian history. Scholars of the Safavid era, particularly, have focused on this event, making it a pivotal aspect of Safavid historiography. The prevailing perspective shaping the reflection of this event in Safavid historiography is the presentation of a religious and doctrinal narrative. This approach, influenced by the religious outlook prevalent in Iranian historiography and the specific religious nature of the Safavids, underscores the use of Quranic verses as a central theme in Safavid historians' accounts of Shah Ismail's rise to power. The primary concern of this research is to investigate the role of Quranic verses in the Safavid historiographical narrative of Shah Ismail's ascension. The findings of the study indicate that the Quranic narrative of Safavid historians on Shah Ismail's rise is reflected in five components: legitimizing the rule, Quranic narrative of Ismail's victories, describing opponents, drawing parallels between Ismail's life and divine prophets, and ultimately justifying Ismail's often violent actions. Legitimizing the rule was the primary concern of Safavid historians and had two axes: legitimizing the entirety of Safavid rule and legitimizing the rule and actions of Shah Ismail. Safavid historians have endeavored to use Quranic verses in line with these objectives.

Keyword: Quranic Narrative, Historiography, Shah Ismail, Safavids, Narrative



صفحه: ۸۲ تا ۱۰۵

*. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran.
mehmannavaz86@gmail.com



دراسة السرد التاريخي المماثل للآية عن اعتلاء شاه إسماعيل العرش الصفوي

الاستلام: ٢٤ صفر ١٤٤٥
القبول: ١٨ ربيع الاول ١٤٤٥

10.22034/JKSL.2023.415688.1244
20.1001.1.27833356.1402.4.3.4.9



محمود مهمان نواز *

نوع المقال: بحثي

الملخص

يمثل اعتلاء شاه إسماعيل (٩٠٧-٩٣٠ق) العرش الصفوي وتأسيس الدولة الصفوية أهم الأحداث في تاريخ إيران. وقد أولى مورخو العهد الصفوي بهذه الحادثة اهتماماً خاصاً فأصبحت إحدى المحاور الهامة في الكتابة التاريخية الصفوية. هذا وإن أهم رؤية كانت تحكم على انعكاس هذه الحادثة في مسار الكتابة التاريخية الصفوية وأكثرها هيمنة هي سرد هذه الحادثة كحديث ديني. وقد تأثرت هذه الرؤية بالموقف الديني الذي كان يحكم بشكل عام مسار الكتابة التاريخية في إيران وطبيعة الدولة الصفوية الدينية بشكل خاص ولذلك أصبح استخدام آيات القرآن المحور الأهم في سرد المؤرخين الصفويين عن اعتلاء شاه إسماعيل السلطة. هذا والإشكالية الأساسية للبحث الحاضر هي دراسة دور آيات القرآن في رواية الكتابة التاريخية الصفوية عن سلطة شاه إسماعيل. توضح نتائج البحث أن سرد المؤرخين الصفويين عن سلطة شاه إسماعيل آيةً تنعكس في خمسة عناصر: إضفاء الشرعية على الدولة، وسرد انتصارات شاه إسماعيل آيةً، ووصف المعارضين، وخلق أوجه تشابه بين حالات شاه إسماعيل والأنبياء، وأخيراً، تبرير تصرفات شاه إسماعيل التي كانت في كثير من الأحيان بعنف. كان إضفاء الشرعية يعدّ الشغل الشاغل للمؤرخين الصفويين وله محوران: الأول إضفاء الشرعية على الدولة الصفوية بأكملها، والثاني، إضفاء الشرعية على سلطة شاه إسماعيل وتصرفاته. فسعى مؤرخو الدولة الصفوية إلى توظيف آيات توافق هذه الأهداف.

الكلمات المفتاحية: التماثل للآية، الكتابة التاريخية، شاه إسماعيل، الدولة الصفوية، الرواية والسرد



سال چهارم
شماره سوم
پیاپی سیزدهم
پاییز ١٤٠٢

*. أستاذ مساعد، قسم التاريخ، كلية العلوم الإنسانية، جامعة باسوج، إيران

mehmannavaz86@gmail.com



بررسی روایت آیه نگارانه تاریخ نگاری صفوی از قدرت گیری شاه اسماعیل



محمود مهمان نواز*

10.22034/JKSL.2023.415688.1244



20.1001.1.27833356.1402.4.3.4.9



مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

چکیده

قدرت گیری شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰-۹۰۷ق) و تشکیل سلسله صفویان، یکی از مهم ترین حوادث تاریخ ایران محسوب می شود. مورخان دوره صفوی به طور ویژه به این حادثه توجه کرده اند و در نتیجه، به یکی از محورهای مهم تاریخ نگاری صفویان تبدیل شده است. مهم ترین و غالب ترین دیدگاه حاکم بر بازتاب این حادثه در جریان تاریخ نگاری صفویان، ارائه روایت دینی و مذهبی از این رویداد بوده است. این نوع نگاه، متأثر از نگرش دینی حاکم بر جریان تاریخ نگاری ایران به طور عام و ماهیت مذهبی صفویان به صورت خاص بوده و در همین راستا، استفاده از آیات قرآن کریم مهم ترین محور روایت مورخان صفوی از قدرت گیری شاه اسماعیل قرار گرفته است. مسئله اصلی این پژوه، بررسی نقش آیات قرآن در روایت تاریخ نگاری صفویان از قدرت گیری شاه اسماعیل است. یافته های پژوهش نشان می دهد که روایت آیه نگارانه مورخان صفوی از قدرت گیری شاه اسماعیل در پنج مؤلفه انعکاس یافته است: مشروعیت بخشی به حکومت، روایت آیه نگارانه از پیروزی های شاه اسماعیل، توصیف مخالفان، ایجاد شباهت میان احوال شاه اسماعیل و پیامبران الهی و در نهایت، توجیه اقدامات اغلب خشن شاه اسماعیل. مشروعیت بخشی مهم ترین دغدغه مورخان صفوی بود و دو محور داشت: نخست مشروعیت دادن به کلیت حکومت صفویان و دوم مشروعیت بخشی به حکومت و اقدامات شاه اسماعیل. مورخان صفوی در همین جهت تلاش داشتند از آیات همسو با این اهداف استفاده کنند.

واژگان کلیدی: آیه نگاری، تاریخ نگاری، شاه اسماعیل، صفویه، روایت.

*. استادیار گروه تاریخ، دانشکده انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

mehmannavaz86@gmail.com



۱. بیان مسئله

شکل‌گیری حکومت‌ها همواره همراه با اقدامات خشن بوده است. این اقدامات، هم در راستای مقابله با مخالفان و رقیبان بود و هم خاصیت بازدارندگی داشت؛ به گونه‌ای که موجب می‌شد بسیاری از مردم شهرها با مشاهده خشونت و میزان قتل عام‌های اولیه، از مقاومت خودداری کنند. فتح مسالمت‌آمیز کاشان در دوره صفویه نمونه‌ای از این مطلب است (نک: امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۲۰۶-۲۱۰؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۷۵-۴۷۴). دغدغه دیگر مؤسسان حکومت‌ها «مشروعیت» بود و در این راستا، بسیاری از حکومت‌ها اقدام به نسب‌سازی کردند (شعبانی و زارعی، ۱۳۹۱ ش، ۲۱-۵۲). تشکیل حکومت صفویان در سال ۹۰۷ ق توسط شاه اسماعیل صفوی، از موارد یادشده مستثنا نبود. شاه اسماعیل نیز با اعمال خشونت زیاد در مقابل دشمنان و حتی مردم عادی، توانست بر مسند پادشاهی تکیه بزند. وی در مسیر رسیدن به قدرت از هیچ رفتار خشنی خودداری نکرد (الحسینی القزوی، ۱۳۱۴ ش، ۲۴۵؛ امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۲۲۹؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۷۶ و ۴۸۰-۴۸۱). تاریخ‌نگاری صفوی، به‌عنوان بازوی اصلی شاه صفوی، این وقایع را به‌صورتی ملایم و مشروع و هدفمند بازتاب داد. مورخان صفوی از طرفی وظیفه داشتند موفقیت‌های اسماعیل را بدون کم‌وکاست و حتی با اغراق بیان کنند و از طرفی این موفقیت‌های همراه با کشتار گسترده را به گونه‌ای بازگو کنند که چهره‌ای خشن و سفاک از شاه صفوی ارائه ندهند. در این راستا، یکی از ابزارهای مورد استفاده مورخان، بهره‌گیری از آیات قرآن در روایت آن حوادث بود. در ادامه مقاله و با استفاده از منابع، مصادیقی را بیان خواهیم کرد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی روایت آیه‌نگارانه تاریخ‌نگاری دوره صفوی از موفقیت‌های شاه اسماعیل در راه کسب قدرت است. در این پژوهش هدف صرفاً پرداختن به وقایعی است که منجر به قدرت‌گیری شاه اسماعیل شده است و به حوادث همه دوران حکومت وی نمی‌پردازد. شاه اسماعیل تقریباً تا سال ۹۱۶ ق با مدعیان و رقیبان داخلی مواجه بود و عملاً از این تاریخ به بعد، نگاه وی و صفویان به مرزها و درگیری با همسایگان شرقی و غربی معطوف شد. در این سال جنگ مرو با ازبکان و چهار سال بعد جنگ چالدران با عثمانی‌ها رخ داد (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۳۳۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۵۰۶-۵۴۵؛ ناشناس، ۱۳۸۴ ش، ۳۵۲-۵۱۱). هم‌چنین ذکر این نکته لازم است که همه مورخان صفوی، روایتی آیه‌نگارانه از قدرت‌گیری شاه اسماعیل



ارائه نکرده‌اند؛ به همین سبب در این پژوهش صرفاً به آن دسته از منابعی که چنین روایتی ارائه داده‌اند، توجه شده است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤالات است: روایت آیه‌نگارانه مورخان صفوی از قدرت‌گیری شاه اسماعیل چه مؤلفه‌هایی دارد؟ در روایت آیه‌نگارانه متون دوره صفوی از قدرت‌گیری شاه اسماعیل، کدام بخش از عملکرد وی بیشتر مد نظر بوده است؟ این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر متون تاریخی دوره صفویه به انجام رسیده است؛ هم‌چنین در این تحقیق سعی شده با اتکا به روش‌های آماری، برخی داده‌های منابع تاریخی دوره صفوی تجزیه و تحلیل شود.

در ارتباط با روایت آیه‌نگارانه مورخان صفوی از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است. پاینده و جعفری در مقاله «اسکندربیک ترکمان و آیه‌نگاری اش در عالم آرای عباسی»، آیه‌نگاری در متن عالم آرای عباسی را در همه حوزه‌ها بررسی کرده‌اند. نکته جالب آنکه کتاب عالم آرای عباسی در روایت قدرت‌گیری شاه اسماعیل صفوی از آیه‌نگاری استفاده نکرده و در مقاله پیش‌رو نیز از این منبع استفاده‌ای نشده است. آرام در کتاب اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، به موضوع تاریخ‌نگاری دوره صفویان و ویژگی‌های کلی تاریخ‌نگاری در این عصر پرداخته است. تلاش او توجه به همه جنبه‌های تاریخ‌نگاری صفویان بوده، اما مبحث آیه‌نگاری در بحث او جایگاه خاصی نداشته و کمتر بدان توجه شده است. ثواقب در کتاب تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، منابع دوره صفوی را بررسی کرده است. این اثر بیشتر بررسی و معرفی منابع آن دوره است؛ ولی از بررسی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری دوره صفوی نیز غافل نبوده است. در این کتاب نیز توجه خاصی به موضوع آیه‌نگاری در تاریخ‌نگاری دوره صفویان دیده نمی‌شود. کویین در کتاب تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه‌عباس صفوی؛ اندیشه، گرده‌برداری و مشروعیت در متون تاریخی عهد صفویه، شیوه‌ها و ویژگی‌های تاریخ‌نویسی در زمان شاه‌عباس اول را بررسی کرده و توجه او بیشتر معطوف به منابع مورخان صفوی در عصر شاه‌عباس و میزان هم‌پوشانی یا تفاوت مطالب آن‌ها با یکدیگر بوده است. این اثر به ویژگی‌های تاریخ‌نگاری صفویان به صورت گذرا اشاره می‌کند، ولی به بحث آیه‌نگاری در تاریخ‌نگاری صفویان نمی‌پردازد. میچل در کتاب سیاست‌ورزی در ایران عصر صفوی: قدرت، دیانت، بلاغت، به بحث دبیران و منشیان و شیوه نگارش نامه‌ها در دوره صفویه پرداخته است. این اثر به نگاه



غالب دبیران عصر صفوی که دیدگاهی مذهبی در نگارش نامه‌ها و متون آن دوره بوده، توجه نشان داده و در مواردی نیز به آیات به کاررفته توسط آن‌ها پرداخته است. تقریباً هیچ کدام از آثار ذکر شده به بحث روایت آیه نگارانه مورخان صفوی از قدرت گیری شاه اسماعیل نپرداخته و صرفاً در برخی از آن‌ها به صورت گذرا، استفاده مورخان صفوی از آیات قرآن در نگارش تاریخ را آورده‌اند.

۲. آیات مشروعیت بخش

یکی از مهم‌ترین کارکردهای تاریخ نگاری صفویان، مشروعیت بخشی به حکومت صفوی به طور کلی و اقدامات و حکومت شاهان صفوی به صورت جزئی است. این مهم زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که پی ببریم متون تاریخی آن دوره، در میدان‌های شهرها برای عموم مردم خوانده می‌شد (کویین، ۱۳۹۲ ش، ۳۷۶). مورخان آن دوره در نگارش متون تاریخی از همه ابزارها جهت مشروعیت بخشیدن به حکومت و شاهان صفوی استفاده می‌کردند. بهره بردن از آیات قرآنی در متون تاریخی، مهم‌ترین شیوه مورخان صفوی برای ارائه چهره‌ای مطلوب و مشروع از حکومت و شاهان صفوی محسوب می‌شد. مورخان صفوی در روایت قدرت گیری شاه اسماعیل صفوی و اساساً در بیان تشکیل حکومت صفویان، بیشترین به آیه ۲۶ سوره آل عمران استناد می‌کردند: «تَوْتَى الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ»^۱ (آل عمران: ۲۶) (قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲ ش، ۶۷ و ۱۰۲-۱۲۰؛ جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۱۵۰ و ۱۶۶؛ امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۱۲۹ و ۱۵۴ و ۳۱۳). روایت این آیه توسط مورخان صفوی با تأکید بر تشکیل حکومت صفویان، در راستای تأکید بر این امر است که قدرت یافتن این سلسله و شاه اسماعیل از جانب خداوند و هرگونه مخالفت با آن مخالفت با خداوند بود. به عنوان نمونه، امینی هروی در وصف شاه اسماعیل گوید: «نامه تَوْتَى الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ» طغرای نشان نافذ فرمان او و رقعۀ «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ» طراز دلیل احکام لازم العز و الامتنان است.» (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۱۲۹). همو مغلوب شدن و شکست شروان شاه را مصداق «وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ» و امری مطابق با خواست خداوند می‌داند (همان). نویسنده روضه الصفویة نیز به استناد این آیه، چگونگی اعطای قدرت به شاه اسماعیل از جانب خداوند را توصیف و عبارت «تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» را در وصف الوند میرزای آق قویونلو، رقیب شاه اسماعیل در مسیر رسیدن به قدرت، دانسته است (جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۱۵۰).

۱. هر آن کس را که خواهی فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی را بازستانی.



ترکیب بخشی از آیه ۴۰ سوره آل عمران و بخشی از آیه ۱ سوره مائده در عبارت «يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ يَحْكُمُ مَا يَرِيدُ»، مستند خودساخته دیگری بود که مورخان صفوی در راستای مشروعیت بخشی به موضوع قدرت یافتن شاه اسماعیل صفوی از آن استفاده کردند (جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۱۵۰-۱۷۳؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ۵۳؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۶۹). مورخان صفوی همواره می‌کوشیدند حکومت شاه اسماعیل را ناشی از اراده خداوند عنوان کنند و در این راستا و به صورت مکرر، از آیاتی با این مضامین استفاده می‌کردند: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ»^۱ (مائده: ۵۴)؛ «إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ»^۲ (آل عمران: ۷۳)؛ «وَاللَّهُ يُؤْتِي مَنْ يَشَاءُ»^۳ (آل عمران: ۱۳)؛ «وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَنْ يَشَاءُ»^۴ (بقره: ۲۴۷)؛ «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^۵ (حدید: ۲۱). این‌ها نمونه‌های واضحی از تلاش مورخان برای مشروعیت بخشی به حکومت صفویان است (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۲۴۱؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲ ش، ۱۲۹-۱۳۰؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ۴۸؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۷۲-جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۱۱۶-۱۶۳). برخی از مورخان صفوی بر این عقیده بودند، همان‌گونه که مقام نبوت پیامبران از کودکی در سرنوشت آن‌ها بود و در نهایت به آن‌ها عطا شد، خداوند حکومت و پادشاهی را نیز از همان کودکی به شاه اسماعیل عطا کرد و در سرنوشت او قرار داد. روملو و واله اصفهانی با استناد به آیه «وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»^۶ (مریم: ۱۲) و قباد الحسینی نیز با استناد به دو آیه «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»^۷ (ص: ۲۶) و «وَأَتَيْنَاهُمْ مَلَكًا عَظِيمًا» (نساء: ۵۴) با این مضمون که به آل ابراهیم ملک و سلطنتی بزرگ عطا کردیم (روملو، ۱۳۵۷ ش، ۱۳؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲ ش، ۵۹؛ قباد الحسینی، ۱۳۷۹ ش، ۵)، حکومت یافتن شاه اسماعیل را موهبتی الهی و امری از پیش تعیین شده دانسته‌اند که از پیش، در ناصیه وی بوده است. در واقع این مورخان از دو شیوه برای مشروع جلوه دادن حکومت شاه اسماعیل استفاده کرده‌اند: نخست، القای اینکه حکومت شاه اسماعیل امری حتمی و از پیش تعیین شده بود؛ دوم، شبیه‌سازی میان شاه اسماعیل و پیامبران الهی و پیوند دادن

۱. این فضل خداست که آن را به هر که خواهد می‌دهد.
۲. این تفضل به دست خداست. آن را به هر کس که بخواهد می‌دهد.
۳. خدا هر که را بخواهد، به یاری خود تأیید می‌کند.
۴. خداوند پادشاهی خود را به هر کس بخواهد می‌دهد.
۵. این فضل خداست که آن را به هر کس بخواهد می‌دهد و خداوند دارای فزون بخشی بزرگ است.
۶. و در کودکی به او نبوت دادیم.
۷. ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم.

حکومت او با حکومت و نبوت پیامبران.

آیه «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا» (انسان: ۱) از جمله آیاتی است که به عقیده برخی از مفسران قرآن در شأن امام علی و اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده است (الطائفي، ۱۴۳۹ق، ج ۲۰، ۱۰۷؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ۶۱۱). شیعیان این آیه را «گواه وجود ازلی حضرت علی علیه‌السلام می‌گیرند و شاهی بر این مدعا که پیامبر و فاطمه و امامان شیعه پیش از خلقت عالم ماده بر لوح وجود نقش بسته‌اند» (میچل، ۱۳۹۷ش، ۱۲۴). نویسنده جواهر الأخبار کوشیده است با استناد به بخشی از این آیه، شاه اسماعیل را به اهل بیت منتسب کند (منشی قزوینی، ۱۳۷۸ش، ۱۱۳) و به نوعی حکومت وی را در امتداد امامت امامان معصوم علیهم‌السلام جلوه دهد. امینی هروی نیز با استناد به آیه «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْزَنَّا الْأَرْضَ»^۱ (زمر: ۷۴)، شاه اسماعیل را مصداق مؤمنانی بداند که سلطنت بر روی زمین میراث آنان بوده است (امینی هروی، ۱۳۸۳ش، ۱۴۰). در تکملة الأخبار، به تخت نشستن شاه اسماعیل را نخست با عبارت «جاء الحقُّ وَهَقَّ الباطلُ» (اسراء: ۸۱) بیان کرده و در ادامه به آیه «فَقَطَّعَ دَائِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۲ (انعام: ۴۵) تمسک کرده است (شیرازی، ۱۳۶۹ش، ۳۵). به این ترتیب مورخ در پی آن بوده است تا حکومت یافتن شاه اسماعیل را امری حق جلوه دهد که بر باطل و ستمگران پیروز شده است. در روضة الصفویة نیز ضمن ذکر آیه «وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» (انعام: ۱۶۵)، قدرت‌گیری شاه اسماعیل را حاصل برتری وی از نظر خداوند بر سایر مخلوقات آن زمان دانسته است (جنابدی، ۱۳۷۸ش، ۶۳). در نهایت، نویسنده کتاب حبيب السیر جلوس شاه اسماعیل بر تخت پادشاهی را این چنین توصیف کرده است:

چون تقدیر بی تغییر پروردگار خبیر «الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ملک: ۱) متعلق بدان بود که برطبق حدیث صحیح «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِئَةِ سَنَةٍ مَنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا». اساس دین نبوی از مساعی معمار دولت پایدار پادشاه صفوی صفت متانت و استحکام گیرد و ریاض شرع مبین مصطفوی به تازگی از رشحات سحاب همت عالی آثار وارث خلافت مرتضوی سمت خضرت و نضارت پذیرد... (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ۴۶۷).

۱. و گویند: سپاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و ما را وارث زمین کرد.

۲. پس ریشه آن گروهی که ستم کردند، برکنده شد و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است.



خواندمیر با ظرافت خاصی، ضمن آنکه با استفاده از آیات قرآن حکومت شاه اسماعیل را صرفاً به سبب اراده خداوند دانسته، آن را میراث نبی اکرم و ادامه دهنده خلافت امام اول شیعیان برشمرده و برای مشروعیت بخشی به حکومت شاه اسماعیل، به سه اصل قرآن و نبوت و امامت توجه کرده و از آن‌ها بهره برده است.

تأکید مورخان صفوی بر اعطایی حکومت از طرف خداوند به شاه اسماعیل، ریشه در اندیشه «حق الهی سلطنت» در ایران داشته که در دوران پیش از اسلام از آن به فر^۱ ایزدی یاد می‌شد. این اندیشه به دوران اسلامی نیز منتقل گردید. سیوری منشأ اندیشه حق الهی سلطنت شاهان صفوی را برگرفته از فرّ ایزدی می‌داند (سیوری، ۱۳۹۴ ش، ۲۶). فوران نیز در این باره می‌نویسد: «این ادعا از منابع پیش از اسلام سرچشمه می‌گرفت و به موقعیت شاه در رأس هرم سلسله مراتب مشروعیت بخشید» (فوران، ۱۳۸۵ ش، ۹۶). به هر روی، بسیاری از اندیشمندان دوران اسلامی تلاش کردند به اندیشه فرّ ایزدی رنگ و لعاب اسلامی بدهند و آن را در قالب این ادعا که شاه، سلطان یا حاکم سایه خدا بر روی زمین^۲ است، در جامعه اسلامی نهادینه کنند؛ در این امر، موفق نیز بودند^۳ از همان آغاز تشکیل سلسله صفویان نیز، از این اندیشه ایرانی اسلامی با قدرت استفاده شد و استناد مورخان این دوره به آیات قرآن در جهت اثبات مشروعیت حکومت شاه اسماعیل، بازتابی از این اندیشه بوده است.

۳. روایت آینه‌نگارانه از پیروزی‌های شاه اسماعیل در راه کسب قدرت

حرکت نظامی شاه اسماعیل صفوی برای کسب قدرت در ایران، تقریباً از سال ۹۰۵ ق آغاز و منجر به یک سلسله درگیری‌ها با رقیبان و مدعیان کسب قدرت در ایران شد. شاه اسماعیل تقریباً تا پیش از نبرد با شیبک‌خان ازبک در سال ۹۱۶ ق، درگیر منازعات داخلی در جهت تثبیت قدرت خویش در ایران بود. مورخان صفوی در روایت جنگ‌های این دوره نیز که عمدتاً با پیروزی

۱. «فر» فروغی است ایزدی، به دل هر که بتابد از همگان برتری یابد. از پرتو این فروغ است که کسی به پادشاهی رسد، براننده تاج و تخت گردد و آسایش گستر و دادگستر شود و همواره کام‌یاب و پیروزمند باشد ... کسی که مؤید به تایید ازلی است، خواه پادشاه و خواه پارسا، خواه نیرومند و هنرمند، دارای «فر» ایزدی است» (اوشیدری، ۱۳۷۸ ش، ذیل مدخل «فر»)

۲. ظلّ الله في الأرض.

۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: (محمدی و بیطرفان، ۱۳۹۱ ش، ۳ تا ۳۶ - معروف و داداشی، ۱۳۹۶ ش، ۱۳۱ تا ۱۶۹). البته برخی محققان نیز نظریه انطباق فر ایزدی و ظل الهی را به نوعی رد کرده‌اند. بنگرید به: (دلیر، ۱۳۹۳ ش، ۳۹ تا ۵۹).



شاه اسماعیل همراه بود سعی کردند با استفاده از آیات قرآنی، به روایت این کامیابی‌ها بپردازند و به نوعی آن‌ها را از جانب خداوند بدانند. به سبب جنگ‌های متعدد شاه اسماعیل صفوی در جهت کسب قدرت، بیشترین استفاده مورخان صفوی از آیات قرآنی مربوط به این بخش است. استناد به برخی از آیات قرآنی با مفهوم اراده و یاری خداوند در پیروزی نیروهای حق با وجود تعداد کم آنها، یکی از محورهای مورد استفاده مورخان صفوی در این زمینه است و برای نمونه، از آیه «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»^۱ (بقره: ۲۴۹) چنین استنباطی شده است. امینی هروی نسبت، به سایر مورخان دوره صفوی، از این آیه استفاده بیشتری کرد و در جریان روایت حملات شاه اسماعیل به گرجستان، جنگ با شروان‌شاه و جنگ با علاءالدوله ذوالقدر، با بهره بردن از این آیه، به نیروی اندک شاه صفوی اشاره نمود (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۸۷-۱۳۴ و ۲۸۳). هم‌چنین در حبیب السیر، روضة الصفویة و تاریخ ایلچی نیز به این آیه استناد شده است (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۸۹؛ جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۲۰۱؛ قباد الحسینی، ۱۳۷۹ ش، ۱۲).

مورخان صفوی از برخی آیات سوره فتح نیز به کرات در وصف پیروزی‌های شاه اسماعیل استفاده کرده‌اند؛ از جمله آیات «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا»^۲ (فتح: ۱)، «وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»^۳ (فتح: ۲)، «وَيُنصِرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا»^۴ (فتح: ۳)، «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»^۵ (فتح: ۴) و «يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۶ (فتح: ۱۰) (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۷۱؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ۵۹؛ جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۱۵۰، ۱۶۴، ۱۷۶ و ۱۹۸؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲ ش، ۱۳۷؛ امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۱۱۵، ۱۳۲، ۲۸۳ و ۲۸۴؛ ناشناس، ۱۳۸۴ ش، ۱۶۶ تا ۱۶۹). به نظر می‌رسد هدف مورخان صفوی از تأکید بسیار بر آیات سوره فتح، مشروعیت دادن به پیروزی‌های شاه اسماعیل و بیان این نکته بوده است که جنگ‌های او، گرچه بر ضد گروهی از هم‌کیشان خود بود، به سبب تأیید شدن از جانب خداوند، مشروعیت داشت. تأکید مورخان صفوی بر اعطا شدن پیروزی‌ها از جانب خداوند به شاه صفوی، به نوعی تأکیدی بر مقدس بودن جنگ‌های شاه اسماعیل در راه

۱. بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خداوند پیروز شدند.
 ۲. ما تو را پیروزی بخشیدیم؛ [چه] پیروزی درخشان.
 ۳. و تو را به راهی راست هدایت کند.
 ۴. و تو را به نصرتی ارجمند یاری نماید.
 ۵. اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرفرستاد.
 ۶. دست خدا بالای دست‌های آنان است.



کسب قدرت نیز بود. مورخان آن دوره برای تأکید بیشتر بر خدایبی بودن پیروزی‌های شاه، صرفاً به آیات سوره فتح اکتفا نکردند و از آیات دیگر سوره‌ها نیز بهره بردند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره: ۲۵۱)؛^۱ «فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلٰى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ»^۲ (صف: ۱۴)، «وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ»^۳ (صافات: ۱۷۳)، «وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ»^۴ (آل عمران: ۱۳)، «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»^۵ (آل عمران: ۱۲۶)، «يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»^۶ (آل عمران: ۱۲۵)، «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ»^۷ (صف: ۱۳)، «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَلْقَوِيءُ عَزِيزٌ»^۸ (حج: ۴۰)، «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^۹ (انفال: ۱۷)، «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»^{۱۰} (نساء: ۹۵).

آیات فوق نمونه‌هایی از استفاده مورخان صفوی جهت انتساب پیروزی‌های شاه‌اسماعیل به خواست خداوند بوده است (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۴۹، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۷۲ و ۴۹۸؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ۴۸؛ قباد الحسینی، ۱۳۷۹ ش، ۲۲؛ امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۸۹، ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۶۷، ۱۹۹، ۲۵۳ و ۲۷۶؛ ناشناس، ۱۳۸۴ ش، ۱۸۴-۲۰۳؛ جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۱۱۸).

یکی از لوازم یاری خداوند، توکل و اعتماد به اوست. مورخان صفوی معتقد بودند، عامل پیروزی‌های شاه‌اسماعیل اتکا به همین اصل بود و برای استدلال خویش نیز بخشی از آیه ۳ سوره طلاق «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) را شاهد آورده‌اند (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۶۵؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶ ش، ۳۲). آن‌ها به نوعی در پی ایجاد این گفتمان بودند که علت یاری کردن شاه صفوی از سوی خداوند، ایمان و توکل او بود و خداوند به این دلیل، وی را یاری رساند و در مسند قدرت قرار داد. به هر روی، استفاده مکرر از آیاتی با مضمون انتساب پیروزی‌ها به خداوند و نسبت دادن پیروزی‌های شاه‌اسماعیل صفوی به این امر، می‌تواند بیانگر

۱. پس آنان را به اذن خدا شکست دادند.
۲. و کسانی را که گروهیده بودند، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شوند.
۳. و سپاه ما هر آینه پیروز شدگانند.
۴. و خداوند هر کس را بخواهد، به یاری خود تأیید می‌کند.
۵. فتح و پیروزی نصیب کسی نشود، مگر از جانب خدا.
۶. (همان‌گاه) پروردگارتان شما را با پنج‌هزار فرشته نشان‌دار یاری خواهد کرد.
۷. یاری و پیروزی از جانب خداوند است.
۸. قطعاً خدا به کسی که او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد؛ چراکه خدا سخت‌نیرومند شکست‌ناپذیر است.
۹. و آنگاه که [تیر] افکندی، تو نیفکندی؛ بلکه خدا افکند.
۱۰. خدا مجاهدان را بر خانه‌نشینان با پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است.

چند نکته باشد:

۱. شاه اسماعیل و نیروهایش نیروی تأییدشده از جانب خداوند بودند و تمامی اقدامات آنها نیز مشروع بود؛ پیروزی‌های شاه اسماعیل نیز نشانه رحمت خداوند نسبت به این شاه بود. این را مصداق عینی آیه «مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا»^۱ (فاطر: ۲) هم شمرده‌اند (نک: خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۷۶-۵۰۲)؛ ۲. تقدس بخشیدن به پیروزی‌های شاه اسماعیل؛ ۳. توجیه اقدامات شاه اسماعیل که بعضاً با خشونت نیز همراه بود و در این باره بحث خواهیم کرد؛ ۴. ایمان راستین و توکل شاه اسماعیل که سبب توجه خداوند و نیروهای غیبی به او شد؛ ۵. کافر شمردن نیروهای مخالف و تأکید بر اینکه مخالفت با شاه اسماعیل، مخالفت با خداوند و قوانین الهی بود؛ ۶. ایجاد نوعی شباهت میان پیروزی‌های شاه اسماعیل و نبردهای پیامبر ﷺ در صدر اسلام مانند فتح مکه. به نظر می‌رسد مورخان صفوی با این عمل، در پی القاء این مطلب بودند که اقدامات شاه اسماعیل در تأسیس سلسله صفویان، از جنس حرکت پیامبر ﷺ در مدینه بود و کامیابی شاه اسماعیل در این زمینه نیز، مانند موفقیت‌های پیامبر ﷺ در تأسیس جامعه اسلامی، صرفاً به سبب یاری خداوند رخ داد.

۴. شبیه‌سازی مقدس

شبیه‌سازی در تاریخ‌نگاری کاربردی موثر داشته و «این عنصر خیال یکی از موثرترین فضاهای کارکرد خود را در تاریخ می‌یابد... آن انگاره‌ها و الگوها، مشبّه‌هایی هستند که ویژگی‌های موردنظر تاریخ‌نگار را قوت در خود دارند و افراد - بیشتر پادشاهان - و عملکرد آنان در جایگاه مشبّه، با این انگاره‌ها مقایسه می‌شود. تاریخ‌نگار با برابرنهاد دو رخداد همانند، بدون داوری آشکار و استفاده از گزاره‌های مستقیم، معنای دیگری و رای معنای نخست جمله را به مخاطب القا می‌کند؛ یعنی حقیقت را در معنای پنهان در پس این رویکرد زیبایی‌شناختی می‌جوید.» (رضوانیان و مقدسی، ۱۳۹۴ ش، ۱۰۰). شبیه‌سازی قرآنی یکی از مواردی بود که تاریخ‌نگاری صفوی در روایت حوادث آن دوره از آن بهره می‌برد. مورخان صفوی سعی می‌کردند از کمترین شباهت، بیشترین شبیه‌سازی را به عمل بیاورند و در این راستا به آیات قرآنی متکی بودند. به سخن دیگر، مورخان آن دوره آشکارا و مستقیم شبیه‌سازی کرده و موارد مدنظر خویش را به مخاطب

۱. هر رحمتی را که خدا برای مردم گشاید، بازدارنده‌ای بر آن نیست.



القا نموده‌اند. می‌توان گفت، شبیه‌سازی مورخان صفوی و به‌ویژه شبیه‌سازی‌های قرآنی دربارهٔ حوادث رخ داده برای شاه اسماعیل صفوی، در راستای مشروعیت بخشی به او و حکومت صفویان بود. اساساً مهم‌ترین کارکرد تاریخ‌نگاری صفوی مشروعیت بخشی به حکومت صفویه بود.

در مسیر قدرت‌گیری خاندان صفوی و بعد از کشته شدن حیدر صفوی، سلطان یعقوب آق‌قویونلو فرزندان وی را به مدت چهار سال و نیم در استخر فارس زندانی کرد. مورخان صفوی سعی کردند این دوره را به دوران زندانی شدن حضرت یوسف علیه السلام در مصر تشبیه کنند. در این زمینه امینی هروی با استناد به آیهٔ «وَالْقُوَّةُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ»^۱ (یوسف: ۱۰)، شاه اسماعیل را به یوسف علیه السلام تشبیه کرد (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۶۱). خواندمیر نیز با استناد به بخشی از آیهٔ ۸۷ سورهٔ یوسف «وَلَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ»^۲ (یوسف: ۸۷) می‌نویسد که فرزندان حیدر و خاصه شاه اسماعیل، با این عمل سلطان آق‌قویونلو، از لطف و کرم خداوند غافل نشدند (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۳۹) و امینی هروی نیز پادشاه این امید به خدا را اعطای پادشاهی به شاه اسماعیل صفوی توسط خداوند می‌داند (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۶۱). خواندمیر و امینی این سختی‌ها را لازمهٔ قدرت گرفتن شاه اسماعیل دانسته و بر این عقیده‌اند، همان‌گونه که خداوند پیامبران را ابتدا امتحان کرد و سپس به آن‌ها قدرت بخشید، شاه اسماعیل را نیز ابتدا امتحان کرد و سپس به وی قدرت داد. خواندمیر با استناد به آیات «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِِبْرَاهِيمَ»^۳ (انبیاء: ۶۹) و «يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ»^۴ (صافات: ۱۰۲) و «وَقَدْ يَنَافَهُ يَذْبَحُ عَظِيمٍ»^۵ (صافات: ۱۰۷)، به امتحان شدن حضرت ابراهیم علیه السلام از سوی خداوند با استفاده از آتش نمرود و قربانی کردن اسماعیل اشاره داشته و در ادامه نیز، به سختی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از توفیق نهایی نیز اشاره کرده است (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۳۵). امینی هروی نیز می‌نویسد: «موسی کلیم را تا زبان آتش امتحان نسوخت، چراغ زبان آوری در مشکات «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (نساء: ۱۶۴) بر نیفروخت. نبی عربی تا در مضیق شعب ابی طالب مدتی خاک‌نشین آن حصار نبود، دست عنایت «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (اسراء: ۱) راه معراجش بر چهرهٔ سرور و

۱. در نهانخانه چاه بیفکنید.

۲. و از رحمت خداوند ناامید مباشید.

۳. ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش.

۴. پدرجان، آنچه را مأموری انجام بده.

۵. و او را در ازای قربانی بزرگی بازرهانیدیم.



عارض ابتهاج نگشود.» (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۶۲). این دو مورخ از هیچ‌گونه تشابهی میان احوال شاه اسماعیل در زندان استخر و پیامبران غافل نبوده‌اند. به نظر می‌رسد علاوه بر موضوع ایجاد پیوند میان داستان شاه اسماعیل و پیامبران، این دو مورخ در پی القاء این نکته نیز بوده‌اند که اگر در ابتدای به قدرت رسیدن شاه اسماعیل ضعفی وجود داشته و وی و برادرانش نتوانسته‌اند دفاعی در برابر زندانی شدن خویش انجام دهند، در پس آن حکمتی وجود داشته است؛ همان‌گونه که عاقبت پیامبران با وجود ناکامی‌های زیاد، موفقیت بوده است. این نوع روایت هم‌چنین در پی توجیه و پوشش دادن به ضعف اولیهٔ خاندان صفویه در برابر حکومت آق‌قویونلوها بوده است. موضوع دیگری که در مسیر به قدرت رسیدن شاه اسماعیل برای وی پیش آمد، کشته شدن برادر ارشدش سلطان علی و به تبع، تعقیب اسماعیل توسط نیروهای رستم‌بیگ آق‌قویونلو در اردبیل بود. روملو این جریان را با شبیه‌سازی آن با داستان حضرت موسی علیه السلام روایت کرده است. او جریان پناهنده شدن شاه اسماعیل به زنی به نام خان‌جان و سرپرستی او توسط آن زن را با استناد به آیه «هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ»^۱ (قصص: ۱۲)، به سرپرستی مجدد مادر موسی از وی به اذن خداوند تشبیه نموده است (روملو، ۱۳۵۷ ش، ۱۴). هم‌چنین نزدیکان اسماعیل با استفاده از آیه «وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا زَادُوهُ إِيَّاكَ»^۲ (قصص: ۷) که بشارت به مادر موسی علیه السلام بود، امن بودن جای شاه اسماعیل را به مادرش اعلام کردند. او در ادامه، ورود مخفیانه یکی از طرفداران اسماعیل به شهر اردبیل و فراری دادن وی از آن شهر را به داستان ورود مخفیانه موسی علیه السلام به مصر تشبیه کرده است (روملو، ۱۳۵۷ ش، ۱۵). او در پایان، خلاصی نهایی شاه اسماعیل از تعقیب نیروهای رستم آق‌قویونلو را باز هم به داستان موسی علیه السلام گره زده است: «لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۳ (قصص: ۲۵) (روملو، ۱۳۵۷ ش، ۱۶). گرچه در اصل، شباهت‌ها میان ماجرای تعقیب و گریز شاه اسماعیل توسط آق‌قویونلوها و داستان موسی علیه السلام در سورهٔ قصص چندان زیاد نیست، روملو به خوبی و باظرافت، این دو داستان را به هم پیوند زده است. همان‌گونه که پیش از این بیان شد، به نظر می‌رسد هدف نویسندهٔ احسن التواریخ از بیان چنین روایت‌هایی و ایجاد چنان تشابهی، پوشش دادن ضعف شاه صفوی در فرار از مقابل دشمن باشد. به هر روی، بیان مستقیم و

۱. آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کنند.

۲. و نترس؛ چون ما موسی را به تو باز می‌گردانیم.

۳. نترس که از گروه ستمگران نجات یافتی.



بی‌پرده داستان فرار شاه اسماعیل بدون توجیه مناسب برای آن، چندان با اقتدار بعدی شاه اسماعیل هماهنگ نبود و می‌بایست به این شیوه توجیه و تلطیف می‌شد و آن را در راستای خواست خداوند نشان می‌دادند.

ماجرای عبور نیروهای شاه اسماعیل از رود ارس برای جنگ با شروان شاه مورد دیگری است که مورد توجه مورخان صفوی قرار گرفته و آن را با استناد به آیه «بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا اِنَّ رَبِّيْ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ»^۱ (هود: ۴۱) به داستان کشتی حضرت نوح علیه السلام گره زده‌اند (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۱۱۹-۱۶۱؛ جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۱۳۱؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ۵۸). هروی این شبیه‌سازی را در ماجرای فتح بغداد نیز تکرار کرده است (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۲۹۸-۲۹۹). در ماجرای فتح بغداد هم چنین مورخان سعی کرده‌اند کمبود آب لشکریان و در نهایت کندن زمین و یافتن آب را با استفاده از آیه «وَ اِذِ اسْتَسْقٰی مُوسٰی لِقَوْمِهٖ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اَنْتَا عَشْرَةٌ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنْسَاٍ مَّسْرَبَهُمْ»^۲ (بقره: ۶۰)، به ماجرای مشابهی که برای قوم بنی اسرائیل و موسی علیه السلام رخ داد، تشبیه نمایند (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۷۰؛ امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۱۸۸-۱۸۹). به نظر می‌رسد آنچه در استفاده از این آیه بیشتر مدنظر مورخان بوده است، جوشیدن دوازده چشمه آب از سنگ است که بنابر نظر برخی مفسران شیعه، عدد «دوازده» به دوازده امام اشاره دارد (الطائفی، ۱۴۳۹ ق، ج ۱، ۱۳۰). بهره‌گیری مورخان از این آیه احتمالاً در راستای ترویج اندیشه‌های شیعی و تأکید بر اثبات وجود نشانه‌هایی از حقانیت امامان دوازده‌گانه در قرآن بوده است که ایشان شاهان صفوی را هم وارث این امامان می‌دانستند. هم‌چنین امینی هروی در برخی موارد سعی در شبیه‌سازی اقدامات اسماعیل با داستان‌های قرآنی داشته است؛ از جمله در حمله به باکو و تشبیه آن به داستان اصحاب فیل یا تشبیه لشکر شاه اسماعیل به لشکریان حضرت سلیمان علیه السلام با استناد به آیه «وَ حٰشِرَ لِّسُلَيْمٰنَ جُنُوْدًا»^۳ (نمل: ۱۷) (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۲۱۱). به هر روی، مورخان صفوی برای ایجاد شباهت میان قدرت‌گیری شاه اسماعیل و احوالات پیامبران الهی با بهره‌جستن از آیات قرآنی، از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند.

۱. به نام خداست روان شدنش و لنگر انداختنش. بی‌گمان پروردگار من آمرزنده و مهربان است.

۲. هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم: با عصایت بر آن تخته‌سنگ بزن؛ پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت [؛ به گونه‌ای که] هر قبیله‌ای آبشخور خود را می‌دانست.

۳. سپاهیان سلیمان نزد او جمع شدند.

۵. روایت آیه‌نگارانه از مخالفان شاه اسماعیل در راه کسب قدرت

شاه اسماعیل صفوی در راه کسب قدرت و تشکیل حکومت، با دشمنان و مخالفان متعددی مواجه بود که در بسیاری از موارد مجبور به درگیری نظامی با آن‌ها شد. مورخان صفوی، همان‌گونه که در جریان وصف پیروزی‌های شاه اسماعیل بر این رقیبان با بهره از آیات قرآن این پیروزی‌ها را ناشی از اراده و یاری خداوند دانسته‌اند، در روایت احوال مخالفان نیز از آیات قرآنی بهره برده‌اند. یکی از راهبردهای مورخان صفوی در وصف دشمنان شاه اسماعیل، تشبیه آنان به حیوانات بود. تشبیه نیروهای شروان‌شاه به خران وحشی و نیروهای صفوی به شیر با استناد به دو آیه «كَانَهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ»^۱ (مدثر: ۵۱-۵۰) یکی از این موارد است (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۵۸؛ امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۲۹۲؛ جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۱۳۶؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲ ش، ۱۰۵). هم‌چنین خواندمیر همین توصیف را درباره مشعشعیان تکرار کرده است (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۹۸). تاریخ ایلچی نیز با استفاده از آیه «كَانَهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ»^۲ (قمر: ۷)، نیروهای سلطان‌مراد را به ملخ تشبیه کرده است (قباد الحسینی، ۱۳۷۹ ش، ۲۱). این تشبیه از طرفی نشانه تعداد زیاد نیروهای مراد نیز بوده است. به هر روی، به کارگیری چنین تمثیلاتی درباره دشمنان، بیشتر در جهت تحقیر آن‌ها بوده است.

مورخان صفوی همه مخالفان شاه اسماعیل را در زمره کافران و مخالفان خداوند می‌دانستند و بر اساس همین اصل، هنگام جنگ با شاه اسماعیل، خداوند به موجب «وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ»^۳ (احزاب: ۲۶) در دل‌هایشان ترس افکند و آنان فرار را بر قرار و مقاومت ترجیح دادند (روملو، ۱۳۵۷ ش، ۱۴۰؛ جنابدی، ۱۳۷۸ ش، ۱۶۴؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ۹۵؛ امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۱۸۳؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۷۱). هم‌چنین مورخان صفوی، شاه اسماعیل را به نوعی اجل و مرگ از جانب خداوند تشبیه کرده‌اند که دشمنان به هر کجا پناهنده می‌شدند، باز بر آن‌ها مستولی می‌شد. این تشبیه مصداق آیه «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ»^۴ (نساء: ۷۸) بود که توسط مورخان آن دوره استفاده شد (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ۴۷۹؛

۱. به خران رمنده‌ای مانند که از پیش شیری، گریزان شده‌اند.

۲. مانند ملخ به عرصه محشر منتشر شوند.

۳. و در دل‌هایشان هراس افکند.

۴. هر کجا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد؛ هر چند در برج‌های استوار باشید.



روملو، ۱۳۵۷ش، ۱۱۲؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ۸۵؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲ش، ۱۴۷؛ جنابدی، ۱۳۷۸ش، ۱۸۲-۲۲۶؛ ناشناس، ۱۳۸۴ش، ۱۳۹؛ امینی هروی، ۱۳۸۳ش، ۲۲۵). بر این اساس، شاه اسماعیل به غضبی از طرف خداوند تشبیه می‌شد که مأمور دفع کافران حتی در برج‌ها و قلعه‌های مستحکم بود و در این امر نیز موفق عمل کرد. استفاده گسترده مورخان صفوی از این آیه می‌توانست اشاره به قلعه‌ها و برج‌های مستحکم و تسخیرناشدنی دشمنان شاه اسماعیل باشد. برج در میان عامه مسلمانان، نمادی از خانه ظالمان بود. میچل ریشه این تفکر را در قصه برج بابل می‌داند و می‌نویسد: «قصه برج بابل در فرهنگ پساتورانی همه اقوام شرق دریای مدیترانه وجود داشت و بی‌گمان در جهان اسلام نیز مشهور بود. بسیاری از جغرافی‌دانان و تاریخ‌نگاران ساخت برج بابل را یکی از مظاهر کفر بعد از طوفان نوح می‌دانستند.» (میچل، ۱۳۹۷ش، ص ۶۳). بنابراین، بهره بردن از این آیه می‌توانست در راستای تأکید بیشتر مورخان صفوی بر کافر و ظالم بودن دشمنان شاه اسماعیل و در نتیجه اثبات حقانیت او باشد.

مورخان صفوی مخالفت دشمنان با شاه اسماعیل و مقاومت در برابر وی را مصداق آیه «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ»^۱ (بقره: ۷) می‌دانستند (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ۴۵۶؛ جنابدی، ۱۳۷۸ش، ۱۰۵-۱۳۴). از نظر مورخان، این مخالفان در زمره کافران و مصدق این دو آیه بودند: «أُولَئِكَ هُمُ الْكُفَرَةُ الْفَجْرَةُ»^۲ (عبس: ۴۲) و «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ»^۳ (آل عمران: ۱۱۶) (امینی هروی، ۱۳۸۳ش، ۱۱۰-۲۴۸). آن‌ها بنابر همین اصل، عاقبت دشمنان شاه صفوی را همان عاقبتی می‌شمردند که قرآن برای کافران عنوان کرده است (نک: امینی هروی، ۱۳۸۳ش، ۱۴۹، ۱۷۱، ۱۹۲، ۲۴۷، ۱۶۴؛ قباد الحسینی، ۱۳۷۹ش، ۱۲-۲۶؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ۴۲). به هر روی، هدف از بهره جستن از این گونه آیات در متون تاریخ‌نگاری صفوی، تقبیح دشمن و همچنین مشروعیت‌بخشی به اقدامات شاه اسماعیل صفوی در مقابله با آنان بود. مورخان صفوی با استفاده از این آیات، به دنبال اثبات حقانیت شاه اسماعیل و انکار حقانیت دشمنان وی بودند. این طرز تفکر و نوع دیدگاه، در پی تحکیم جایگاه قدسی شاه صفوی نیز بود. یکی از ملزومات اعطا و القای مقام قدسی شاهان صفوی، برائت جستن از دشمنان و خارج از محدوده دین قلمداد کردن آن‌ها بود. مورخان صفوی با مدد آیات قرآن کریم به خوبی این هدف را محقق کردند.

۱. خداوند بر دل‌های آنان و بر شنوایی‌شان مهر نهاد و بر دیدگان‌شان پرده‌ای است.

۲. آنان همان کافران بدکارند.

۳. آنان اهل آتشند.

۶. توجیه اقدامات شاه اسماعیل صفوی

قدرت‌گیری شاه اسماعیل صفوی در ایران با خشونت بسیار زیادی همراه بود و در این راه افراد زیادی در شهرهای مختلف ایران به قتل رسیدند. یکی از اهداف و کارکردهای تاریخ‌نگاری صفویان، خشونت‌زدایی از اقدامات شاه اسماعیل و تلطیف کردن آن‌ها بود. مورخان صفوی برای دست‌یابی به چنین هدفی، با استفاده از آیات قرآن کریم اقدامات شاه اسماعیل صفوی را توجیه کردند و به‌نوعی آن اقدامات را مشروع جلوه دادند. تاریخ‌یلچی در توجیه خشونت و ویرانگری‌های شاه اسماعیل از آیه «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا»^۱ (نمل: ۳۴) استفاده کرده است. خورشاه این آیه را در توجیه کشتار هولناک شاه اسماعیل در طبرس که به گفته خود وی هشت هزار نفر در آنجا کشته شدند و آن منطقه نیز ویران گردید، آورده است (قباد الحسینی، ۱۳۷۹ ش، ۳۱). در اینجا آیات قرآن صرفاً ابزاری برای توجیه خشونت عریان شاه اسماعیل بوده است. امینی هروی نیز در توجیه رفتار خشونت‌آمیز شاه اسماعیل در یزد، به آیه «وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا»^۲ (اسرا: ۵۸) استناد کرده است (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۲۳۶). استفاده از این آیات، به‌منزله تبدیل غضب شاه اسماعیل نسبت به اهالی یک شهر، به غضبی مقدس بود. در اینجا بخشی از متن آیه‌نگارانه امینی هروی در توجیه خشونت شاه اسماعیل در مقابله با علاءالدوله ذوالقدر را می‌آوریم:

عورات ایشان را به ربقه اسار مقید کردند و چون بنات النعش، زهره جبینان آن قوم را از فراز به نشیب آوردند. منهی افلاک در قتل ذکور ایشان، صادقۀ «يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ» (اعراف: ۱۴۱) بر زبان راند و در نگاه‌داشت اناث مذکور ایشان، کریمۀ «وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» (بقره: ۴۹) فروخواند. مضمون مصدوقه «وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره: ۴۹) عنوان صحیفه عمل و کلید خزینه امل ایشان گشت و بعضی از آن عورات مخدّرات سرپرده زوجیت اولاد آله دانه و به حسن چهره و لطف صورت یگانه بودند که به رقم قبول همایون فال شدند. اموال افزون از حدّ خیال در حیطة تصرف غازیان آمده، حسب الحکم با اسیران در سایه لوای جهان‌گشای عزیمت ولایت اخلاط کردند.» (امینی هروی، ۱۳۸۳ ش، ۲۸۱).

هم‌چنین مورخان آن دوره بارها سعی کردند قتل عام افراد توسط شاه اسماعیل را با استفاده

۱. پادشاهان هرگاه به دیاری حمله آند، آن را ویران سازند.

۲. هیچ قریه‌ای نبود مگر اینکه هلاکش کنیم.



از آیاتی مانند «فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»^۱ (اعراف: ۳۴)، «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ»^۲ (الرحمن: ۲۶) و «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ»^۳ (رعد: ۱۱)، امری از پیش تعیین شده تلقی کنند (امینی هروی، ۱۳۸۳، ۲۷۶؛ جنابدی، ۱۳۷۸، ۱۷۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ۴۷۵؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲، ۱۳۶؛ قباد الحسینی، ۱۳۷۹، ۲۰) که شاه اسماعیل صرفاً عامل اجرای آن بود. در استفاده از این آیات نوعی تقدیرگرایی نیز هویدا است. در واقع، «هرجا روند حوادث به گونه‌ای اتفاق افتاده که زشتی‌های نظام بی ضابطه حکومت وقت را هویدا می‌نموده، آن‌جا مورخ بدون افکندن خود در ورطه چرایی حادثه، چگونگی آن را به دست ناپیدای تقدیر نسبت می‌دهد.» (سرخیل، ۱۳۹۰، ۱۰۲) و در همین ارتباط، استفاده از آیات قرآن بهترین راه چاره برای توجیه اقدامات خشن شاه اسماعیل و نسبت دادن آن به تقدیر و قضای الهی بود.

یکی دیگر از شیوه‌های مورداستفاده مورخان صفوی برای توجیه خشونت شاه اسماعیل در راه کسب قدرت، تمسک به آیات جهادی بود؛ به‌عنوان نمونه، امینی هروی به دو آیه «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ»^۴ (نساء: ۸۹) و «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ»^۵ (نساء: ۹۱ و بقره: ۱۹۱) (امینی هروی، ۱۳۸۳، ۱۰۰، ۱۲۱، ۱۳۵ و ۱۶۹) استناد کرده است. با وجود آنکه جهاد معمولاً جنگ در برابر غیرمسلمانان است؛ امینی هروی از تمسک به آیات جهادی برای وصف جنگ‌های شاه اسماعیل ابایی ندارد. البته هر چه از عمر حکومت صفوی بیشتر گذشت، این رویکرد جهادی مورخان نسبت به جنگ‌های شاه اسماعیل نیز کاهش یافت.

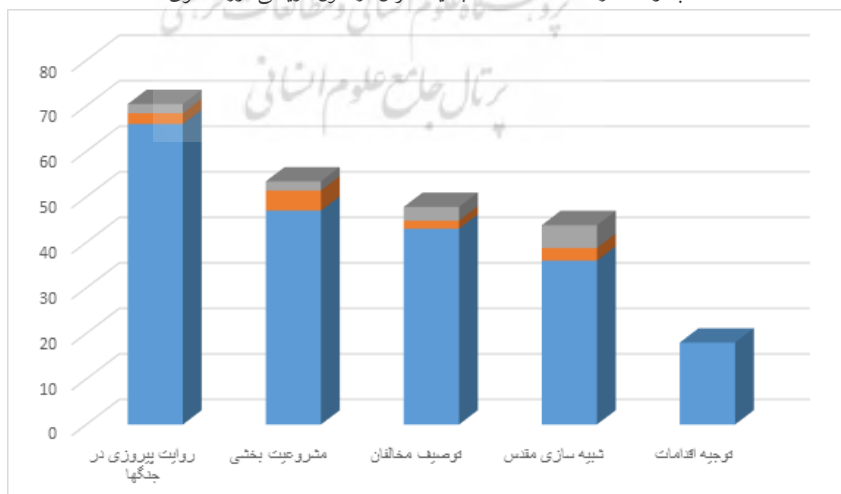
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. چون اجلشان فرارسد، نه می‌توانند ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش.
۲. هرچه بر آن (زمین) است، فانی‌شونده است.
۳. و چون خدا برای قومی آسیب بخواهد، هیچ برگشتی از آن نیست.
۴. هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان.
۵. و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید.

جدول شماره ۱. میزان استفاده منابع دوره صفوی از آیات در مؤلفه های روایت قدرت گیری شاه اسماعیل

ردیف	منابع	مؤلفه ها			
		روایت پیروزی در جنگ ها	مشروعیت بخشی	توصیف مخالفان	شبیه سازی مقدس
۱	فتوحات شاهی	۱۶	۶	۳	۷
۲	حبیب السیر	۱۰	۳	۵	۳
۳	روضه الصفویة	۶	۸	۱۳	۱
۴	احسن التواریخ	-	۱	۲	۳
۵	خلاصة التواریخ	۲	۲	۳	۱
۶	تاریخ ایلچی	۲	۱	۳	-
۷	عالم آرای شاه اسماعیل	۴	-	۱	-
۸	تکملة الاخبار	-	۱	-	-
۹	از شیخ صفی تا شاه صفی	۱	-	-	-
۱۰	خلد برین	۱	۷	۲	-
۱۱	جواهر الأخبار	-	۱	-	-
۱۲	مجموع	۴۲	۳۰	۳۲	۱۵

جدول شماره ۲: دفعات استناد به آیات قرآن در متون تاریخی دوره صفوی



نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری در دوره صفویه ادامه‌دهنده سنت تاریخ‌نگاری ایران دوره اسلامی بود. نظر به اینکه حکومت صفوی بر پایه مذهب تشیع و با تمسک به آن تشکیل شد، رویکرد آن در همه ابعاد مذهبی بود و تاریخ‌نگاری و مورخان نیز از این امر مستثنی نبودند. غلبه نگرش مذهبی بر آثار تاریخی این دوره سبب شد تا مورخان در روایت حوادث تاریخی از آیات قرآنی استفاده کنند. آیات قرآن کریم در متون تاریخی این دوره به شیوه‌ای استفاده می‌شد که تکمیل‌کننده بحث مورخ باشد و به مخاطب چنین القا می‌کرد که علت نزول چنین آیه‌ای، همان حادثه‌ای است که مورخ صفوی در حال روایت آن بود. کارکرد اصلی آیه‌نگاری در تاریخ‌نگاری، بهره بردن مورخان از آیات قرآن جهت تکمیل و اثبات حقانیت روایت تاریخی آن‌ها بود. استفاده از آیات قرآن در روایت قدرت‌گیری شاه اسماعیل صفوی، یکی از مواردی بود که تاریخ‌نگاری صفویان به صورت جدی برای مشروعیت دادن به اقدامات او و برشمردن آن‌ها در راستای اراده و خواست خداوند از آن بهره برد. پنج مؤلفه مشروعیت‌بخشی، یاری خداوند در پیروزی‌های شاه اسماعیل، تقبیح و تکفیر دشمنان، شبیه‌سازی میان عملکرد شاه اسماعیل و پیامبران الهی و توجیه عملکرد شاه اسماعیل با تکیه بر آیات قرآن کریم، مهم‌ترین مواردی است که تاریخ‌نگاری صفوی در روایت قدرت‌گیری شاه اسماعیل بر آن‌ها تأکید کرد.

مشروعیت‌بخشی مهم‌ترین هدف مورخان صفوی برای استناد به آیات قرآن بود. اساساً تاریخ‌نگاری صفوی به عنوان بازوی مشروعیت‌بخش حکومت صفویان و اقدامات شاهان این سلسله عمل می‌کرد. این مشروعیت‌بخشی، هم در عرصه داخلی و در پاسخ به افکار عمومی داخلی بود و هم جنبه خارجی داشت و به نوعی از حکومت شیعی صفویان در برابر همسایگان سنی مذهب دفاع می‌کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هدف اصلی و غایی مورخان صفوی در استفاده از آیات قرآنی هنگام روایت قدرت‌گیری شاه اسماعیل، مشروعیت‌بخشی به حکومت و اقدامات وی بود. نگاهی به میزان استفاده مورخان صفوی از آیات قرآن نیز نشان می‌دهد، نسبت دادن موفقیت‌های شاه اسماعیل به اراده و یاری خداوند و هم‌چنین مشروعیت حکومت شاه اسماعیل بیشترین دغدغه مورخان صفوی بود و نزد آنان بیشترین تکرار و تأکید را داشت. بسیاری از آیات استفاده‌شده، در چهار مؤلفه یاری خداوند در پیروزی‌ها، تقبیح و تکفیر دشمنان، شبیه‌سازی و

توجیه عملکرد شاه اسماعیل کاربرد داشت و درصدد مشروعیت بخشی به حکومت او بود. بررسی متون تاریخی دوره صفویان نشان می‌دهد، امینی هر وی در کتاب فتوحات شاهی که صرفاً به حوادث دوره شاه اسماعیل تا سال ۹۲۰ ق پرداخته، بیشترین استفاده را از آیات قرآن داشت و خواندمیر نیز که تقریباً هم‌زمان با امینی هر وی بود توجه زیادی به استفاده از آیات قرآن در روایت حوادث این دوره داشت. از میان متون تاریخی سده دوم حکومت صفویان، این کتاب روضه الصفویه بود که در روایت حوادث دوره شاه اسماعیل بیشترین توجه را به آیات قرآنی نشان داد. این امر می‌توانست ناشی از استفاده جنابدی از دو منبع پیش‌گفته به ویژه کتاب خواندمیر در روایت حوادث دوره شاه اسماعیل بوده باشد. نکته حائز اهمیت آنکه هرچه زمان نگارش متون از زمان شاه اسماعیل فاصله بیشتری گرفته، میزان به کارگیری آیات قرآنی در روایت قدرت‌گیری او کمتر شده و بالعکس هر قدر به دوران شاه نزدیک بوده، استناد به آیات نیز بیشتر گردیده است. بسیاری از متون تاریخی دوره صفویان در اواسط و به ویژه اواخر این سلسله، به هیچ‌روی به آیات قرآن در روایت قدرت‌گیری شاه اسماعیل استناد نکرده‌اند. این مطلب می‌توانست بیان‌گر آن باشد که منتسب کردن اقدامات شاه اسماعیل به خواست و اراده خداوند، همچنین غیر مشروع جلوه دادن مخالفان او بر اساس آیات قرآن، صرفاً برای مورخان سده اول صفویه اهمیت داشت و شاید این امر به نوعی واکنشی به افکار عمومی آن دوره بود؛ همچنین فضای مذهبی حاکم بر آن عصر را نیز در روایت قرآنی از قدرت‌گیری شاه اسماعیل بی‌تأثیر نبود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌نامه

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آرام، محمد باقر (۱۳۹۳ش). اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.
- امینی هروی، ابراهیم بن میرک جلال‌الدین (۱۳۸۳ش). فتوحات شاهی، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۸ش). دانش‌نامه مزدیسنا؛ واژه‌نامه توضیحی آئین زرتشت، تهران: مرکز.
- پاینده، عظیمه و جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۷ش). اسکندریبگ ترکمان و آیه‌نگاری اش در عالم‌آرای عباسی، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ۸(۳۰)، ۱۱۳-۱۲۸.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰ش). تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز: نوید شیراز.
- جنابادی، میرزابیگ بن حسن (۱۳۷۸ش). روضه الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- حسینی استرآبادی، سید حسین بن مرتضی (۱۳۶۶ش). از شیخ‌صفی تا شاه‌صفی، به کوشش احسان اشراقی، تهران: علمی.
- حسینی قمی، قاضی احمد بن حسین (۱۳۸۳ش). خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰ش). تاریخ حبیب‌السیر، تهران: خیام.
- دلیر، تیره (۱۳۹۳ش). فرهنگ سیاسی و مبانی نظری پادشاهی و سلطنت؛ بررسی تطبیقی فرقه ایزدی و ظل‌اللهی، مطالعات تاریخ فرهنگی، ۵(۲۰)، ۳۹-۵۹.
- رضوانیان، قدیسه و مقدسی، زهرا (۱۳۹۴ش). دیالکتیک تشبیه در تاریخ بیهقی، مطالعات زبانی - بلاغی، ۶(۱۱)، ۹۵-۱۲۰.
- روملو، حسن‌بیگ (۱۳۵۷ش). احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- سرخیل، فاطمه (۱۳۹۰ش). درآمدی بر روش و بینش تاریخی اسکندریبگ منشی ترکمان در عالم‌آرای عباسی، تاریخ اسلام، ۱۲(۴۶-۴۵)، ۸۹-۱۱۵.
- سیوری، راجر (۱۳۹۴ش). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- شعبانی، امامعلی و زارعی، علی (۱۳۹۱ش). نسب و نسب‌سازی در سده‌های میانه تاریخ ایران؛ دلایل و زمینه‌ها، مطالعات تاریخ فرهنگی، ۴(۱۴)، ۲۱-۵۲.
- شیرازی، عبدی‌بیگ (۱۳۶۹ش). تکملة الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی.
- قباد الحسینی، خورشاه (۱۳۷۹ش). تاریخ ایلچی نظام‌شاه، تصحیح محمدرضا نصیری و کونچی هانده‌دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قزوینی اصفهانی، محمد یوسف واله (۱۳۷۲ش). خلد برین، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- کوپین، شعله (۱۳۹۲ش). تاریخ نگاری در دوره صفویه، پیام بهارستان، ترجمه خسرو خواجه‌نوری، ۶(۲۱)، ۳۷۰-۳۸۱.
- ----- (۱۳۸۷ش). تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه‌عباس صفوی؛ اندیشه، گرت‌برداری و مشروعیت در متون تاریخی عهد صفویه، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، ذکراالله و بیطرفان، محمد (۱۳۹۱ش). انتقال و تحول اندیشه سیاسی فرقه ایزدی از ایران باستان به ایران اسلامی با تکیه بر مبانی فکری اندیشه‌گران ایرانی، سخن تاریخ، ۶(۱۶)، ۳-۳۶.
- معروف، غلامرضا و داداشی، ایرج (۱۳۹۶ش). مقوله‌بندی «فرقه ایزدی» و تکامل آن تحت تأثیر قرآن، حکمت معاصر، ۸(۳)، ۱۳۱-۱۶۹.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸ش). جواهر الاخبار، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.

- میچل، کالین (۱۳۹۷ش). سیاست‌ورزی در ایران عصر صفوی: قدرت، دیانت، بلاغت، ترجمه حسن افشار، تهران: فرهنگ جاوید.
- ناشناس (۱۳۸۴ش). عالم آرای شاه اسماعیل، به کوشش اصغر منتظر صاحب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

منابع عربی

- الحسینی القزوینی، یحیی بن عبدالطیف (۱۳۱۴ش). لبّ التواریخ، تهران: مؤسسه خاور.
- الطائی، نجاح (۱۴۳۹ش). تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام، قم: دار الهدی لإحياء التراث.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). مجمع البیان، بیروت: دار المعرفة.

